

Feasibility Study on the Establishment of an Asian Court of Human Rights: Challenges, Necessities, and Practical Recommendations



Mohammad Ghasem Tangestani

Associate Professor, Department of International Law, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran
(Corresponding author) m.tangestani@khu.ac.ir



Mohammadjavad Heydariandolatabadi

Mohammadjavad Heydariandolatabadi
PhD Student, Department of International Law, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran mj.heydarian@khu.ac.ir



Abstract

The proposal to establish an Asian Court of Human Rights represents a significant step toward strengthening the human rights system across the diverse and expansive Asian continent. Although regional human rights courts exist in Europe, Africa, and the Americas, Asia still lacks a similar institution. This absence creates both opportunities and challenges in addressing human rights violations in the region. This study presets both unique analytical and comparative approach to explore the necessity, benefits, and obstacles of creating such a court. By drawing lessons from other regions, the article presents practical recommendations for overcoming key challenges, including cultural, political, and legal diversity, lack of governmental consensus, and concerns over national sovereignty.

Journal of Research and
Development in Public Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 1 | No. 2 | Fall 2024 and
Winter 2025
(Original Article)

<https://jrpl.illrc.ac.ir>

DOI:

<https://doi.org/10.22034/jrpl.2025.721647>

Despite these complexities, the urgent need for a regional human rights protection system highlights the importance of this initiative. The study concludes by emphasizing the vital role of regional cooperation and shared commitment to universal human rights values, offering strategic proposals for making the Asian Court of Human Rights a reality.

Keywords : Asian Court, Human Rights Protection, Regional Justice Systems, International Law, Regional Cooperation, Legal Diversity in Asia



امکان‌سنجی تشکیل دیوان آسیایی حقوق بشر: چالش‌ها، ضرورت‌ها و پیشنهادهای عملی

محمدقاسم تنگستانی 

دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی،
دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
m.tangestani@khu.ac.ir

محمدجواد حیدریان
دولت‌آبادی 

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و
علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
mj.heydarian@khu.ac.ir



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق عمومی
پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۱ | شماره ۲ | پاییز و زمستان ۱۴۰۳
(مقاله پژوهشی)

<https://jrpl.illrc.ac.ir>

DOI:
<https://doi.org/10.22034/jrpl.2025.721647>

چکیده

تشکیل دیوان آسیایی حقوق بشر، آرمانی است که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تحول نظام حقوق بشر در گستره وسیع و متنوع آسیا ایفا کند. این ایده که از مدت‌ها پیش در میان برخی صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل مطرح بوده، در بطن خود امید به تحقق عدالت بین‌المللی و احترام به کرامت انسانی را نهفته دارد. درحالی‌که قاره‌های دیگر همچون اروپا، آفریقا و آمریکا با تشکیل نظام‌های قضایی منطقه‌ای توانسته‌اند تا حدودی گام‌هایی را در حمایت از حقوق بشر بردارند، قاره آسیا همچنان از داشتن چنین نهادی محروم است؛ امری که هم فرصت‌های بی‌نظیر و هم چالش‌های بزرگی را پیش‌روی این قاره قرار داده است. این مقاله، با رویکردی تحلیلی و تطبیقی، ضرورت‌ها، مزایا و پیچیدگی‌های مرتبط با تأسیس دیوان آسیایی حقوق بشر را بررسی کرده و تلاش می‌کند تا با اتکا به تجربه‌های دیگر مناطق جهان، راهکارهای عملی برای رفع موانع و پیشبرد این ایده ارائه دهد.

چالش‌هایی نظیر تنوع فرهنگی، سیاسی و حقوقی کشورهای آسیایی، نبود اجماع میان دولت‌ها، و ملاحظات حاکمیتی از یک‌سو، و ضرورت ایجاد یک سازوکار مؤثر برای حفاظت از حقوق بشر در برابر نقض‌های سازمان‌یافته از سوی دیگر، هسته اصلی این بحث را تشکیل می‌دهند. در نهایت، این نوشتار با تأکید بر اهمیت همکاری منطقه‌ای و تعهد به ارزش‌های جهانی، پیشنهادهایی راهبردی برای تحقق این هدف ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: دیوان آسیایی، حقوق بشر، سازوکارهای منطقه‌ای، عدالت بین‌المللی، همکاری منطقه‌ای، تنوع فرهنگی آسیا.



مقدمه

قاره آسیا، با تنوع کم‌نظیر فرهنگی، مذهبی، سیاسی و حقوقی، در عین حال که ظرفیت‌های چشمگیری برای همگرایی انسانی دارد، به یکی از پیچیده‌ترین میدان‌های نبرد برای حمایت از حقوق بشر تبدیل شده است. گستره این قاره، که میزبان بزرگ‌ترین جمعیت جهان و متنوع‌ترین نظام‌های حکمرانی است، همزمان با چالش‌های حقوق بشری گسترده‌ای مواجه است که اغلب ریشه در این تنوع و اختلاف‌های بنیادی میان کشورها دارد. از یک سو، نقض سیستماتیک حقوق اقلیت‌های مذهبی و قومی، سرکوب آزادی بیان، تبعیض علیه زنان و مهاجران و نقض گسترده حقوق کارگران، چهره‌ای تاریک از واقعیت حقوق بشر در آسیا را ترسیم کرده است. از سوی دیگر، نبود یک سازوکار قضایی منطقه‌ای که بتواند از قربانیان این نقض‌ها حمایت و ناقضان را پاسخگو کند، همچون شکاف اصلی در نظام حمایت از کرامت انسانی در این قاره شناخته می‌شود. این نبود توازن، آسیب‌پذیری بیش‌ازپیش گروه‌های ضعیف را در برابر قدرت‌های غیرپاسخگو همراه داشته است. برای نمونه، بحران روهینگیا در میانمار به یکی از تلخ‌ترین فاجعه‌های انسانی دهه‌های اخیر تبدیل شده است، بدون آنکه پاسخی مؤثر در سطح منطقه‌ای یا بین‌المللی همراه داشته باشد (گزارش سازمان ملل درباره بحران روهینگیا: ۲۰۱۹). سیاست‌های دولت چین در قبال اقلیت اویغور با گزارش‌های گسترده درباره اردوگاه‌های بازآموزی و نقض حقوق بنیادین، نمونه‌ای دیگر از چالش‌های حقوق بشری در آسیاست (گزارش عفو بین‌الملل درباره وضعیت اویغورها در چین: ۲۰۲۱). همچنین افغانستان تحت حاکمیت طالبان، شاهد نقض گسترده حقوق زنان و نادیده گرفتن پیشرفت‌های حقوق بشری گذشته است.

براساس آمارهای سازمان ملل، بیش از ۶۰ درصد موارد نقض حقوق بشر در جهان در کشورهای آسیایی ثبت شده است. باین حال، نبود نهاد قضایی منطقه‌ای به این معناست که بخشی از قربانیان در این قاره هرگز به عدالت دست نخواهند یافت. برخلاف مردمان اروپا، آفریقا و آمریکا که با اتکا به دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشری به تحقق عدالت یاری

رسانده‌اند، آسیا همچنان از داشتن چنین نهادی محروم است. این شکاف، نه تنها به ضرر قربانیان، بلکه به تقویت فرهنگ مصونیت ناقضان حقوق بشر نیز منجر شده است. این نوشتار بر آن است تا امکان تأسیس دیوان آسیایی حقوق بشر را مورد بررسی قرار دهد. هدف اصلی این تحقیق، تحلیل ضرورت‌ها و چالش‌های تشکیل این نهاد و ارائه الگوی عملی و منطبق با شرایط پیچیده آسیاست. این اهداف شامل بررسی ضرورت‌های تشکیل دیوان آسیایی حقوق بشر، شناسایی موانع حقوقی، سیاسی و فرهنگی پیش‌روی تأسیس این دیوان و درنهایت ارائه چارچوبی عملی و بومی برای تحقق این ایده می‌شود. پرسش‌های این نوشتار عبارت‌اند از اینکه چه عواملی تشکیل دیوان آسیایی حقوق بشر را به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل می‌کند؟ موانع اصلی در مسیر ایجاد این نهاد چیست؟ چه مدلی می‌تواند در قامت الگوی مناسب برای دیوان آسیایی حقوق بشر عمل کند؟ پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند گام اساسی در مسیر ترویج عدالت و ارتقای کرامت انسانی در آسیا باشد؛ با روش تحلیلی و توصیفی و مبتنی بر روش گردآوری اسنادی (کتابخانه‌ای) مقاله به این مهم دست یافته است.

براساس بررسی‌های انجام‌شده، پژوهشی در ادبیات فارسی به این موضوع اختصاص نیافته است؛ با این حال پژوهش: «مومنی راد، احمد و کیخسروی، مهدی (۱۳۹۸). سازوکارهای منطقه‌ای حقوق بشر: گونه‌ها، چالش‌ها و راهکارها، مطالعات حقوق بشر اسلامی ۱۳۴-۱۱۱، (۲) ۸»، مروری کلی بر کاربرست ساختارهای موجود داشته و از آینده پژوهی موضوع پرهیز کرده است؛ عمده پژوهش‌های مرتبط با موضوع مقاله به زبان انگلیسی تدوین شده‌اند که در متن مقاله به آن‌ها ارجاع می‌شود. **سامان‌دهی پژوهش حاضر به این ترتیب است:** بررسی اجمالی نمونه نهادهای قضایی منطقه‌ای مشابه؛ چالش‌ها و موانع پیش‌رو؛ مزایا و محاسن ایجاد دیوان آسیایی حقوق بشر و راهکارها و الزامات ایجاد دیوان مذکور و در پایان ارائه شاکله نهادی کلی دیوان.

تشکیل دیوان آسیایی و نگرانی‌های مرتبط با آن در سطح کشورهای آسیایی پیچیدگی‌های زیادی دارد. شاید دلیل اصلی این که بسیاری از دولت‌های آسیایی تمایلی به تشکیل

چنین نهادی ندارند، معمولاً به مسائل حاکمیتی و ملی مربوط می‌شود؛ اجمالاً این امر، به صورت منطقی و آینده‌پژوهانه، معلول چهار عامل اساسی به شرح ذیل است:

۱. حاکمیت ملی و استقلال: یکی از دلایل اصلی مخالفت کشورهای آسیایی با تشکیل یک دیوان منطقه‌ای مشابه دیوان اروپا، دغدغه‌ای است که نسبت به تهدید حاکمیت خود دارند. در بسیاری از کشورها، تصمیم‌گیری‌های داخلی و مسائل حقوق بشری به طور مستقیم به حاکمیت و استقلال کشورها مربوط می‌شود. بسیاری از دولت‌ها به دلیل نگرانی از مداخله‌های خارجی ترجیح می‌دهند، مسائل حقوق بشری و قضایی خود را در سطح داخلی مدیریت کنند.

۲. تنوع فرهنگی و سیاسی: آسیای مرکزی و جنوب شرقی به دلیل تنوع فرهنگی، دینی و سیاسی‌اش، پذیرش یک استاندارد مشترک حقوق بشر برای همه کشورهای این منطقه را دشوار می‌کند. درحالی‌که برخی کشورهای آسیایی مانند ژاپن یا کره جنوبی ممکن است، تمایل بیشتری به مشارکت در چنین نهادی داشته باشند، کشورهای دیگر ممکن است از نظر سیاسی یا اقتصادی مخالف آن باشند؛ در واقع این عامل به تفاوت طیف وسیع این کشورها در سطح توسعه‌یافتگی باز می‌گردد.

۳. نگرانی از فشارهای بین‌المللی: تشکیل دیوان حقوق بشری آسیایی می‌تواند منجر به اعمال فشارهای بین‌المللی برای بهبود وضعیت حقوق بشر در کشورهای منطقه شود. این امر ممکن است همچون یک تهدید برای دولت‌هایی تلقی شود که کنترل کلی بیشتری روی وضعیت داخلی خود دارند و نمی‌خواهند تحت نظارت خارجی قرار گیرند.

۴. پیشینه حقوق بشری متفاوت: کشورهای مختلف آسیایی تاریخ‌های متفاوتی در زمینه حقوق بشر دارند. برخی از کشورهای منطقه ممکن است درگیر چالش‌های حقوق بشری پیچیده‌ای باشند که از نظر سیاسی یا اجتماعی، راه‌حل‌های آن از نگاه آنان به هیچ‌وجه مشابه معیارهای جهانی نیست.

خلاصه می‌توان گفت، درحالی‌که بحث حقوق بشر اهمیت بالایی دارد، بسیاری از دولت‌های آسیایی ترجیح می‌دهند که به جای ایجاد دیوان منطقه‌ای که ممکن است

تهدیدی برای حاکمیتشان تلقی شود، در تعاملات بین‌المللی از نهادهای موجود مانند سازمان ملل استفاده کنند.

۱. چارچوب مفهومی و نظری

پرداختن به هریک از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده نوشتار حاضر نیازمند تبیین مفهوم دیوان حقوق بشری است. تعریف دیوان حقوق بشر فراتر از یک نهاد صرف قضایی است؛ این دیوان‌ها در قامت ابزارهایی برای تحقق عدالت و حمایت از کرامت انسانی، می‌توانند نقش حیاتی در مقابله با نقض حقوق بشر ایفا کنند.

۱-۱. دیوان حقوق بشر

منظور از دیوان حقوق بشر، نهادی قضایی است که با وظیفه‌ای کلیدی در نظارت بر اجرای تعهدات حقوق بشری دولت‌های عضو و رسیدگی به شکایات افراد و گروه‌هایی است که نقض حقوق خود را ادعا می‌کنند. این نهاد، با تفسیر و اجرای استانداردهای حقوق بشری، در یک منطقه جغرافیایی خاص فعالیت می‌کند و می‌تواند از مهم‌ترین ابزارهای ارتقای عدالت و حمایت از حقوق بشر به‌شمار آید. ویژگی‌های کلیدی دیوان حقوق بشر، عبارت‌اند از:

الف) صلاحیت قضایی: این دیوان براساس یک منشور یا کنوانسیون حقوق بشری، موارد نقض حقوق بشر را بررسی می‌کند. صلاحیت آن محدود به دولت‌های عضو کنوانسیون یا منشور مربوط است.

ب) الزام‌آوری آرای دیوان: آرای صادره از سوی این نهاد معمولاً برای دولت‌های عضو لازم‌الاجرا است. این الزام، نقشی حیاتی در تضمین احترام به حقوق بشر دارد.

ج) استقلال قضایی: قضات این دیوان باید مستقل از دولت‌ها عمل کرده و فقط بر اساس اصول حقوق بشری و قواعد حقوقی تصمیم‌گیری کنند. این استقلال، تضمین‌کننده بی‌طرفی و عدالت در رسیدگی به پرونده‌هاست. نقش دیوان حقوق بشر در ارتقای عدالت نیز حائز اهمیت است. دیوان‌های حقوق بشر همچون نمادی از همکاری و تلاش جمعی کشورها، بستری را فراهم می‌کنند که در آن قربانیان نقض حقوق بشر می‌توانند به

عدالت دست یابند. همچنین، این نهادها با تفسیر مقررات حقوق بشری، دولت‌ها را به اصلاح سیاست‌ها و قوانین داخلی خود ملزم می‌کنند (Zhang, Xiang:2012: 19). نکته دیگر، تفاوت آسیا با سایر مناطق است که سبب شکاف‌ها و چالش‌هایی به شرح ذیل شده است:

نخست؛ تنوع فرهنگی و حقوقی: آسیا با تنوع چشمگیر در نظام‌های حکومتی و حقوقی، از کشورهای اسلامی تا نظام‌های سکولار و بودایی، روبه‌رو است. این تنوع را می‌توان در نظام‌هایی که مبتنی بر اندیشه کنفوسیوسی هستند (خاور دور)، نظام‌های مبتنی بر اندیشه ابراهیمی (خاورمیانه و جنوب شرقی آسیا) و اندیشه‌های لائیک و لامذهبی (بخش عمده هند، ژاپن و...) با طیف وسیعی ملاحظه کرد؛ همچنین این تفاوت در مبنا، به ریشه الزام‌آوری قوانین نیز سرایت کرده و از طیف انصاف و حسن‌نیت و امر شارع مقدس، رویکرد متفاوتی منشعب خواهد شد؛ فارغ از چنین ثمره‌ای، سطح توسعه‌یافتگی از شرق به غرب این قاره زرد، متمایز است. این تنوع گاه موجب تضاد میان قوانین ملی و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر می‌شود (Alston:2004: 85).

دوم، کمبود نهادهای منطقه‌ای: برخلاف اروپا، آفریقا و آمریکا، در آسیا هیچ نهادی برای رسیدگی به شکایات حقوق بشری یا نظارت بر اجرای تعهدات دولت‌ها وجود ندارد؛ همین مسئله موجب می‌شود تا با خلأ نهادی، هنجاری و سازمانی مواجه باشیم؛ برای رفع چنین فقدان ساختاری ناگزیر هستیم از نهادهای منطقه‌ای موجود برای بحث آیین کار^۱ و سایر موارد بهره‌برداری و اقتباس شود؛ با این حال این مورد در حد گره‌برداری جواب‌گو نبوده و بومی‌سازی آن امری بس ضروری است (Zhang, L. M.:2015: 44).

سوم، افزایش موارد نقض حقوق بشر: سرکوب سیاسی، تبعیض علیه اقلیت‌ها، و نقض حقوق کارگران در آسیا، نیاز به نهادی مستقل و فراملی برای حفاظت از حقوق بشر را دوچندان کرده است. در ضرورت نهادین این دیوان، نیاز به آوردن هیچ دلیل و استدلالی نبوده و بحران‌هایی پرآشوب چند سال اخیر منطقه گواه بر این نیازمندی است تا بلکه محلی برای مقابله با بی‌کیفرمانی ناقضان حقوق بشر این منطقه باشد.

۱-۲. پیوند اصول جهانی حقوق بشر با فرهنگ‌های آسیایی

یکی از بحث‌های کلیدی در زمینه ایجاد دیوان آسیایی، چگونگی تطبیق اصول جهانی حقوق بشر با تنوع فرهنگی آسیاست. فرهنگ‌های آسیایی میراث غنی‌ای دارند و می‌توانند با اصول حقوق بشری تعامل سازنده‌ای داشته باشند. آموزه‌های بودایی مانند اصل کارما و احترام به حیات، همخوانی زیادی با اصل حق حیات و کرامت انسانی دارند. تأکید بر عدالت و کرامت انسانی در آموزه‌های اسلامی نیز می‌تواند، مبنایی برای پذیرش حقوق بشر در کشورهای اسلامی آسیا باشد. درنهایت، مفهوم «آهیمسا» (عدم خشونت) در قامت یکی از اصول کلیدی هندوئیسم، همسویی بالایی با حق جهانی حیات و ممنوعیت شکنجه دارد.

اصول و مبانی حقوق بشر در نظام بین‌الملل، علی‌رغم جهان‌شمولی، باید در چارچوب فرهنگ‌ها و تنوع بومی مناطق مختلف تفسیر و اجرا شوند. آسیا در قامت قاره‌ای با تنوع فرهنگی و چالش‌های حقوق بشری فراوان، می‌تواند با ایجاد دیوان منطقه‌ای حقوق بشر، هم از این اصول بهره‌مند شود و هم به توسعه آن‌ها کمک کند. تجربه نهادهای مشابه در سایر مناطق، فرصت‌های کم‌نظیری برای شکل‌گیری چنین نهادی فراهم می‌کند که در آن، اصول جهانی با ارزش‌های بومی آسیایی هم‌زیستی پیدا کنند Asian Yearbook of (International Law :2018 : 89).

۲. بررسی اجمالی نمونه نهادهای قضایی منطقه‌ای مشابه

برای درک بهتر امکان‌سنجی و طراحی یک دیوان آسیایی حقوق بشر، بررسی نهادهای مشابه در سایر مناطق جهان و تحلیل ساختار، عملکرد و چالش‌های آن‌ها ضروری است. این نهادها همچون نمونه‌هایی موفق یا چالش‌برانگیز، تجربه‌های ارزشمندی در اختیار می‌گذارند.

۲-۱. دیوان اروپایی حقوق بشر

این دادگاه در قامت الگویی پیشرفته، با نظارت بر اجرای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، توانسته است بر سیاست‌های داخلی کشورهای عضو، تأثیری عمیق بگذارد. این دیوان همچون نمونه‌ای پیشرو در جهان، نشان داده است که چگونه یک نهاد قضایی می‌تواند بر سیاست‌های داخلی کشورهای عضو تأثیر بگذارد (ر.ک: گزارش شورای اروپا درباره تأثیر دیوان اروپایی، ۲۰۲۳: ۷۶).

برخی از پرونده‌های برجسته آن مانند **پرونده لائوتیسی علیه ایتالیا**^۱: دیوان به موضوع آزادی مذهب و نصب نمادهای مذهبی در مدارس دولتی پرداخت و با صدور رأی خود، اهمیت احترام به تنوع مذهبی را برجسته کرد. همچنین در **پرونده قیلاری علیه ایتالیا**^۲، دیوان بر حقوق اقلیت‌های جنسی تأکید و دولت ایتالیا را ملزم به پذیرش و حمایت قانونی از روابط هم‌جنس‌گرایان کرد. این مثال‌ها و سایر پرونده‌ها نظیر آکایسو، بهرانی و... که البته پرداختن به تمامی آن‌ها در مجال مقاله نیست، نشان می‌دهد که دیوان اروپایی چگونه توانسته است، توازن میان حقوق فردی و سیاست‌های دولتی را حفظ کند و استانداردهای حقوق بشری را در منطقه اروپا ارتقا دهد.^۳ دادگاه اروپایی حقوق بشر که در سال ۱۹۵۹ تأسیس شد، نهادی قضایی است که کشورهای عضو **شورای اروپا** را به رعایت مفاد **کنوانسیون اروپایی حقوق بشر** ملزم می‌کند. این دادگاه به‌طور مستقیم به شکایات افراد، گروه‌ها یا دولت‌ها درباره نقض حقوق بشر توسط دولت‌های عضو رسیدگی می‌کند. از جمله ویژگی‌ها و دستاوردهای این نهاد می‌توان به **پیش‌گامی آن در قدرت الزام‌آور قضایی اشاره کرد**. آرای این دادگاه برای دولت‌های عضو لازم‌الاجرا بوده و تأثیرات قابل‌توجهی بر قوانین و سیاست‌های داخلی کشورها داشته است. دادگاه اروپایی توانسته همگرایی حقوقی و سیاسی میان کشورهای عضو شورای اروپا ایجاد کند و یکپارچگی بیشتری در رعایت حقوق بشر فراهم آورد (Yashita:2020 : 176). البته از سوی دیگر،

1 Lautsi v. Italy

2 Oliari v. Italy

3 Olivier De Schutter : International Human Rights Law برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

چالش‌هایی چون حجم بالای پرونده‌ها پیش‌روی این نهاد است. افزایش شکایات به این دادگاه گاهی موجب تأخیر در رسیدگی و تضعیف کارایی آن شده است. چالش دیگر، تنوع قوانین ملی است. تطبیق استانداردهای حقوق بشری با قوانین متنوع کشورهای عضو گاه با مقاومت سیاسی و فرهنگی مواجه بوده است.

۲-۲. دادگاه آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها

این دادگاه توانسته است با صدور آرای مرتبط با حقوق اقوام بومی و دیگر گروه‌های آسیب‌پذیر، به حفظ تنوع فرهنگی کمک کند. این دیوان نیز با تمرکز بر موضوع‌های خاص قاره آفریقا، گام‌های مهمی در حمایت از حقوق بشر برداشته است؛ از پرونده‌های برجسته این دیوان می‌توان به پرونده «جامعه اوگیک علیه کنیا»^۱ اشاره کرد. در این پرونده، دیوان به حقوق مالکیت جامعه بومی اوگیک در کنیا پرداخت و تأیید کرد که دولت نباید حقوق آن‌ها را نقض کند. این تصمیم نقطه عطفی در حفاظت از حقوق اقوام بومی و حمایت از تنوع فرهنگی در آفریقا به‌شمار می‌رود.

این دادگاه در سال ۱۹۹۸ و تحت منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها تأسیس شد و صلاحیت رسیدگی به شکایات افراد، گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی را دارد، البته با رعایت شرایطی که مشارکت دولت‌های عضو را طلب می‌کند. از جمله ویژگی‌ها و دستاوردهای این نهاد می‌توان به توجه به شرایط منطقه‌ای اشاره کرد. این دادگاه چالش‌های اقتصادی و سیاسی قاره آفریقا را در نظر گرفته و تلاش کرده تا مسائل حقوق بشری را با وضعیت فرهنگی و اجتماعی منطقه تطبیق دهد. در زمینه تقویت استانداردهای حقوق بشری با صدور آرای تأثیرگذار، مانند پرونده جامعه اوگیک علیه کنیا، دادگاه توانسته حقوق اقوام بومی و جوامع آسیب‌پذیر را به رسمیت بشناسد (Baxter:2014: 19). یکی از چالش‌های این نهاد، اجرای آراء است. تمایل نداشتن برخی دولت‌ها به اجرای آرای دادگاه، چالشی جدی برای اعتبار و کارآمدی آن به‌شمار

1 Ogiek Community v. Kenya

می‌رود. همچنین محدودیت‌های مالی و انسانی، کارکرد مؤثر دادگاه را تحت تأثیر قرار داده است.

۲-۳. دادگاه بین‌المللی حقوق بشر آمریکا

دادگاه بین‌المللی حقوق بشر در آمریکا، با تمرکز بر موضوعات حقوق مدنی و سیاسی در قاره آمریکا، نقشی کلیدی در مقابله با دیکتاتوری‌ها و تقویت دموکراسی داشته است. این دادگاه براساس کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر تأسیس شده و به موارد نقض حقوق بشر در میان کشورهای عضو سازمان کشورهای آمریکایی^۱ رسیدگی می‌کند. ویژگی‌ها و دستاوردهای مختص این دیوان بررسی موارد جنایات علیه بشریت، در پرونده‌هایی نظیر باریوس آلتوس علیه پرو^۲، است؛ به‌نحوی که می‌توان ادعا نمود این دادگاه نقشی حیاتی در برقراری عدالت و پیگرد ناقضان حقوق بشر ایفا کرده است. علاوه بر آن، نقشی که دیوان در تأثیرگذاری بر سیاست‌های داخلی داشته کاملاً مشهود است؛ به شکلی که دادگاه آمریکایی توانسته در برخی موارد، دولت‌ها را به اصلاحات حقوق بشری وادار کند (Xu:2017: 86). با این حال، این دیوان از چالش محدودیت پذیرش صلاحیت نیز رنج می‌برد؛ به این ترتیب که همه کشورهای عضو، کنوانسیون آمریکایی را تصویب نکرده‌اند و این مسئله صلاحیت دادگاه را محدود کرده است. هم‌چنین از لحاظ کارکردی به صورت خاص، این دیوان با معضل سیاسی‌سازی پرونده‌ها نیز مواجه است؛ ارتباط نزدیک دیوان با مسائل سیاسی منطقه، گاهی موجب ایجاد اختلاف میان دولت‌ها شده است.

این مثال‌ها نشان می‌دهند که دیوان‌های منطقه‌ای حقوق بشر چگونه می‌توانند از طریق صدور آرای الزام‌آور، بر سیاست‌های داخلی دولت‌ها تأثیر بگذارند و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر را در سطح منطقه‌ای تقویت کنند. تجربه دیوان‌های اروپایی و آفریقایی به‌خوبی نشان داده است که تشکیل چنین نهادی می‌تواند، موجب بهبود وضعیت حقوق بشر در یک منطقه شود. برای آسیا، ایجاد یک دیوان مشابه، اگرچه با

1 OAS

2 Barrios Altos v. Peru

چالش‌هایی همراه است، اما می‌تواند گامی اساسی در مسیر پیشرفت حقوق بشر باشد. نهادهای منطقه‌ای حقوق بشر توانسته‌اند اعتماد میان دولت‌های عضو را از طریق ایجاد سازوکارهای شفاف و بی‌طرفانه تقویت کنند؛ همگرایی حقوقی و فرهنگی را با ترویج استانداردهای مشترک حقوق بشری میان کشورهای متنوع ایجاد نمایند و بستری برای تعامل سازنده میان دولت‌ها و جامعه مدنی در جهت رعایت حقوق بشر فراهم آورند. مطالعه و تحلیل این نهادها نشان می‌دهد که دیوان آسیایی حقوق بشر می‌تواند با الهام از تجارب مثبت و پرهیز از تکرار چالش‌های موجود، بستری مناسب برای ارتقای حقوق بشر در آسیا فراهم کند. ایجاد چنین نهادی نیازمند طراحی سازوکاری است که ضمن درنظرگرفتن تنوع فرهنگی و سیاسی آسیا، استانداردهای جهانی حقوق بشر را تضمین نماید (Tan:2013: 67).

۳. چالش‌ها و موانع موجود

موارد نقض حقوق بشر در آسیا، نشان‌دهنده نیاز فوری به ایجاد مکانیزم‌هایی برای رسیدگی به این بحران‌هاست. برخی از ویژگی‌های این بحران‌ها براساس اهمیت، عبارت‌اند از: **نخست، سیستماتیک بودن نقض‌ها:** در بسیاری از موارد، نقض حقوق بشر توسط دولت‌ها و در قامت بخشی از سیاست‌های ملی انجام می‌شود؛ به این معنا که مطابق رکن مادی و مسئولیت مندرج در پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها ۲۰۰۱ (مواد ۳، ۴، ۵ و ۸) جنایت علیه بشریت منتسب به نهاد دولت خواهد بود و این مسئله با موضوع مصونیت دولت در دادرسی‌های ترافعی امروزه اصطکاک داشته؛ به همین مناسبت گام‌های مثبتی در سزادهی اشخاص دولتی در رهگذر دیوان بین‌المللی کیفری امری میسر شد که متأسفانه به جز وضعیت فلسطین (۲۰۱۹) و اعلان قرمز برای نخست‌وزیر و وزیر سابق دفاع رژیم صهیونیستی (نتانیاهو و گالات)، هیچ رهیافت دیگری را ملاحظه نکرده‌ایم و عموماً وضعیت ناظر بر وضعیت‌های آفریقایی نظیر کنگو، لیبی، اوگاندا و غیره بوده است.

دوم، فقدان نهادهای منطقه‌ای: نبودن یک نهاد حقوق بشری منطقه‌ای، رسیدگی به این موارد را دشوار کرده است؛ امری که اثبات آن نیازمند هیچ برهان و تحلیل بیشتری نیست و قوام نیافتگی آن بنابه اقتضای زیست جامعه جهانی قابل توجیه نیست و بیش از

هر چیزی تقویت نهادگرایی و نظریه کارکردگرایی را در عمل‌گرایی طیف متنوع دولت‌های آسیایی ایجاب می‌کند.

سوم، تنوع چالش‌ها: از سرکوب آزادی بیان تا نقض حقوق اقلیت‌ها و استثمار کارگران، طیف گسترده‌ای از مسائل در این منطقه وجود دارد که به راهکارهای جامع نیاز دارد؛ موضوعی است که سالیانه در گزارش‌های گزارشگران شورای حقوق بشر نسبت به وضعیت نامطلوب این اتباع در زمینه کشورهای آسیایی مبرز و قابل توجه بوده و می‌توان قطعنامه‌های متعدد این شورا را در محکومیت وضعیت موجود گواهی بر این موضوع دانست. تحلیل این مسائل به روشنی نشان می‌دهد که قاره آسیا به نهادی فراملی برای نظارت و رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر نیاز دارد؛ نهادی که بتواند استانداردهای جهانی حقوق بشر را در این منطقه پرتنوع و پیچیده، ترویج بخشد و تقویت کند (Binder: 2015: 63).

۳-۱. تحلیل نقض حقوق بشر در آسیا

آسیا در قامت پرجمعیت‌ترین و متنوع‌ترین قاره جهان، با چالش‌های جدی در زمینه حقوق بشر مواجه است. نقض حقوق بشر در این منطقه، چه به صورت سیستماتیک و چه در سطح ملی، از ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تأثیر می‌پذیرد. در ادامه، موارد مهم نقض حقوق بشر در آسیا بررسی می‌شود.

۳-۱-۱. حقوق اقلیت‌ها

اقلیت‌های قومی و مذهبی: بحران روهینگیا یکی از وحشتناک‌ترین نمونه‌های نقض حقوق بشر در دهه‌های اخیر است. در این بحران، هزاران نفر کشته و میلیون‌ها نفر مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند. سازمان ملل این اقدامات را در قامت «نسل‌کشی» توصیف کرده است. همچنین، کنترل شدید اقلیت اویغورها در منطقه سین‌کیانگ توسط دولت چین، با گزارش‌های گسترده‌ای از اردوگاه‌های بازآموزی، نظارت الکترونیکی و محدودیت‌های مذهبی همراه بوده است. این اقدامات همچون نقض سیستماتیک حقوق بشر شناخته می‌شوند (Wang, Y: 2019: 98).

۳-۱-۲. آزادی بیان

در بسیاری از کشورهای آسیایی، آزادی بیان تحت فشار شدید قرار دارد: سانسور رسانه‌ها، کنترل اطلاعات و زندانی کردن روزنامه‌نگاران، به‌ویژه در چین، مانعی جدی برای آزادی بیان ایجاد کرده است. در **عربستان سعودی** نیز بازداشت فعالان حقوق بشر، مانند «**لجین الهذلول**» که به دلیل فعالیت‌های مدنی بازداشت شد، نمونه‌ای از سرکوب آزادی‌های مدنی است (Chowdhury:2017: 65).

۳-۱-۳. حقوق کارگران

استثمار کارگران مهاجر: در کشورهای حوزه خلیج فارس، کارگران مهاجر به‌ویژه از جنوب آسیا (هند، بنگلادش، نپال و فیلیپین) تحت شرایط کاری دشوار و غیرانسانی قرار دارند. کارفرمایان، اغلب از سیستم **کفالت** برای محدود کردن آزادی‌های این کارگران سوءاستفاده می‌کنند. همچنین در **جنوب شرق آسیا**، استثمار کارگران در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و شرایط کاری سخت و پرداخت نکردن حقوق منصفانه، از مشکلات جدی در این منطقه است.

۳-۱-۴. حقوق زنان

در کشورهای جنوب آسیا مانند هند و پاکستان، موارد گسترده‌ای از خشونت خانگی، ازدواج کودکان و خشونت جنسی گزارش شده است (Wang, Dali:2019: 45). زنان در بسیاری از کشورهای آسیایی به خدمات آموزشی و اقتصادی برابر دسترسی ندارند. در افغانستان، پس از بازگشت طالبان، زنان با محدودیت‌های شدید در دسترسی به آموزش و اشتغال مواجه شده‌اند.

۳-۲. تلاش‌های منطقه‌ای در آسیا

تمایل برخی کشورها و نهادها به ایجاد مکانیزم‌های حمایتی در سطح منطقه‌ای، هرچند محدود و ناکافی، برای تقویت حقوق بشر امیدبخش است. با وجود چالش‌های فراوان، این تلاش‌ها پایه‌ای برای بررسی امکان‌پذیری ایجاد نهادهای قوی‌تر مانند دیوان آسیایی

حقوق بشر فراهم می‌کنند. در ادامه، تلاش‌های انجام‌شده در این زمینه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اعلامیه حقوق بشر آسه‌آن^۱ در سال ۲۰۰۹ آغازگر تلاش‌های منطقه‌ای برای تدوین استانداردهای حقوق بشری در جنوب شرق آسیا بود. هرچند این چارچوب به رسمیت شناخته شد، اما به دلیل نداشتن ضمانت اجرایی و تأکید زیاد بر مداخله نکردن در امور داخلی کشورها، هنوز فاصله زیادی با مکانیسم‌های قوی‌تر مانند دیوان اروپایی حقوق بشر دارد. هرچند اعلامیه رسمی در سال ۲۰۱۲ به تصویب رسید، اما بحث‌های پیرامون آن از سال ۲۰۰۹ آغاز شد. این اعلامیه در تلاش بود تا استانداردهای حقوق بشری را در چارچوب ارزش‌های منطقه‌ای و حاکمیت کشورهای عضو تنظیم کند. ویژگی‌ها و نکات کلیدی اعلامیه و رویکرد آسه‌آن به حقوق بشر عبارت است از:

(۱) **تأکید بر اصول حاکمیت ملی و عدم مداخله:** برخلاف مکانیسم‌های اروپایی، کشورهای آسه‌آن بر احترام به حاکمیت ملی و استقلال کشورها تأکید دارند. این یعنی هیچ‌گونه مداخله‌ای در امور داخلی دولت‌های عضو نباید صورت گیرد.

(۲) **رعایت حقوق بشر در چارچوب فرهنگی و اجتماعی منطقه:** این اعلامیه به ویژگی‌های بومی، تاریخی و فرهنگی کشورهای آسیای جنوب شرقی توجه دارد. به همین دلیل برخی منتقدان آن را نسبی‌گرایانه و ناقض استانداردهای بین‌المللی دانسته‌اند.

(۳) **نبود مکانیسم الزام‌آور:** برخلاف دیوان اروپایی حقوق بشر که احکام الزام‌آور صادر می‌کند، کمیسیون حقوق بشر آسه‌آن بیشتر یک نهاد مشورتی و هماهنگ‌کننده است و ابزارهای اجرایی و نظارتی محدود دارد.

با این حال، انتقاداتی نیز به اعلامیه حقوق بشر جنوب شرقی آسیا وارد است؛ برخی گروه‌های حقوق بشری اعلامیه را ناقص دانسته‌اند، زیرا هیچ الزام حقوقی قوی برای اجرای مفاد آن وجود ندارد؛ اعلامیه به دولت‌ها اختیارات زیادی برای تفسیر حقوق بشر بر اساس ارزش‌های ملی و فرهنگی داده است، که ممکن است باعث محدودیت برخی آزادی‌ها

1 AHRD - ASEAN Human Rights Declaration

شود. برخی نیز معتقدند که این اعلامیه به جای تقویت حقوق بشر، بهانه‌ای برای دولت‌های اقتدارگرا ایجاد می‌کند تا سرکوب سیاسی و محدودیت آزادی بیان را توجیه کنند.

۳-۲-۱. کمیسیون بین‌دولتی حقوق بشر آسه‌آن^۱

یکی از مهم‌ترین تلاش‌های منطقه‌ای در جنوب شرق آسیا، ایجاد کمیسیون بین‌دولتی حقوق بشر آسه‌آن است که در قامت بخشی از سازمان کشورهای جنوب شرق آسیا در سال ۲۰۰۹ تأسیس شد. این کمیسیون، بیشتر همچون یک نهاد مشورتی عمل می‌کند و فاقد اختیارات قضایی یا ابزارهای الزام‌آور برای اجرای استانداردهای حقوق بشری است. با این حال محدودیت ساختاری آن به اینجا خلاصه نمی‌شود. این کمیسیون نمی‌تواند به شکایات فردی رسیدگی کند و بیشتر بر ارتقای آگاهی عمومی و گفت‌وگو میان دولت‌های عضو متمرکز است. عملکرد کمیسیون در بحران‌های حقوق بشری گویای این واقعیت است که در مواجهه با بحران‌های جدی حقوق بشری، مانند نسل‌کشی روهینگی در میانمار، عملکردی بسیار محدود داشته است. نداشتن صلاحیت قضایی و وابستگی آن به اجماع دولت‌های عضو، مانع از تأثیرگذاری واقعی این نهاد شده است (Deng, 2017: 59).

ویتیت مونتابهورن در کتاب خود^۲ به توسعه سازوکارهای حقوق بشر در منطقه آسه‌آن می‌پردازد و بررسی می‌کند که چگونه این سازوکارها با توجه به پیچیدگی‌های منطقه‌ای و تنوع فرهنگی و سیاسی، از جمله کمیسیون بین‌دولتی حقوق بشر آسه‌آن، شکل گرفته‌اند. مونتابهورن به چالش‌هایی چون ضعف در نظارت، نداشتن شفافیت و کمبود ابزارهای الزام‌آور برای حمایت از حقوق بشر پرداخته است. این کتاب تحلیل‌های عمیقی درباره ایجاد تعادل میان استقلال ملی و همکاری منطقه‌ای ارائه می‌دهد. گزارش‌های منتشرشده توسط اتحادیه اروپا و نهادهای منطقه‌ای نشان می‌دهد که توجه به حقوق بشر در منطقه آسیا، به‌ویژه در آسه‌آن، از طریق همکاری‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کارگران مهاجر و سازوکارهای حقوق زنان و کودکان افزایش یافته است. این تلاش‌ها می‌تواند، الگوی مفیدی برای توسعه دیوان حقوق بشر آسیایی باشد. در این مسیر، پیشنهادهایی

1 AICHR

2 see: Unity in Connectivity? Evolving Human Rights Mechanisms in the ASEAN Region

مانند افزایش صلاحیت قضایی کمیسیون و گسترش همکاری‌های حقوق بشری در زیرمنطقه‌های دیگر، نظیر جنوب آسیا یا آسیای مرکزی، همچون گام‌هایی برای تقویت این نهاد مطرح شده‌اند (Deva: 2015: 18).

۲-۲-۳. منشور حقوق بشر اسلامی^۱

سازمان همکاری اسلامی، منشور حقوق بشر اسلامی را در قامت تلاشی برای حمایت از حقوق بشر در جوامع اسلامی تدوین کرده است. با این حال تفاوت با استانداردهای جهانی به مبانی دینی بازمی‌گردد که این منشور بر اصول اسلامی تأکید دارد که در برخی موارد با مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر^۲ تفاوت‌هایی دارد و محدودیت‌های کلیدی آن عبارت‌اند از: یکی تفسیر حقوق بشری از دیدگاه اسلامی، که می‌تواند آزادی‌های فردی را محدود کند و دیگری تمرکز بر ارزش‌های جمعی به جای تمرکز صرف بر حقوق فردی (Sornarajah: 2017: 65) نقاط قوت نیز به دو موضوع بازمی‌گردد: یکی ایجاد بستری برای گفت‌وگو درباره حقوق بشر در کشورهای اسلامی و دیگری تقویت احترام به اصول اخلاقی و دینی؛ در مقابل نقاط ضعف آن مربوط به نپذیرفتن جهان‌شمولی حقوق بشر و نبود ابزارهای اجرایی قوی است.

۳-۲-۳. همکاری‌های بین‌المللی در چارچوب آسه‌آن

همکاری‌های بین‌المللی با حمایت اتحادیه اروپا و دیگر نهادهای جهانی، به تقویت مکانیزم‌های حقوق بشری در منطقه آسه‌آن کمک کرده است. برای نمونه کنوانسیون حقوق کارگران مهاجر که به ارتقای استانداردهای حقوق بشری برای کارگران مهاجر، به‌ویژه در کشورهای جنوب شرق آسیا، منجر شد و دیگری کنوانسیون حقوق زنان و کودکان به تدوین برنامه‌هایی برای کاهش خشونت علیه زنان و ارتقای سطح آموزش برای کودکان انجامید (Fagan: 2010: 65). این همکاری‌ها نشان می‌دهند که تعامل با نهادهای بین‌المللی می‌تواند به بهبود استانداردهای حقوق بشر در آسیا کمک کند و الگویی برای

1 Organization Islamic corporation(OIC)

2 UDHR

توسعه نهادهایی با صلاحیت قضایی قوی تر باشد. تلاش های منطقه ای در آسیا، هرچند محدود، نشان دهنده شروعی برای ایجاد زیرساخت های حمایتی حقوق بشری هستند. با این حال اولاً، کمیسیون های فعلی، مانند کمیسیون بین دولتی آسیا، فاقد صلاحیت قضایی و ابزارهای الزام آور هستند؛ ثانیاً سازمان هایی مانند سازمان همکاری های اسلامی، نیازمند انطباق بیشتر با استانداردهای جهانی حقوق بشر هستند؛ ثالثاً همکاری های بین المللی می توانند همچون الگویی برای توسعه نهادهای قوی تر عمل کنند؛ بنابراین، تشکیل یک **دیوان آسیایی حقوق بشر** می تواند این تلاش ها را هماهنگ کرده و با اعطای صلاحیت قضایی الزام آور، شکاف های موجود در حمایت از حقوق بشر را برطرف کند (Heathcote:2020 : 499).

۳-۳. ضعف های نظام حقوقی منطقه ای^۱

نظام حقوقی منطقه ای آسیا در مقایسه با سایر مناطق جهان، دچار کاستی های اساسی است که مانع از ایجاد یک نظام مؤثر برای حمایت از حقوق بشر می شود. این ضعف ها، به طور عمده، ناشی از فقدان استانداردهای مشترک، نبود نهادهای قضایی الزام آور و نداشتن تعهد سیاسی و حقوقی بسیاری از دولت های منطقه است که در ادامه بررسی می شود.

۳-۳-۱. ضعف در تدوین استانداردهای مشترک حقوق بشری

کشورهای آسیایی، با تنوع فرهنگی، سیاسی و مذهبی گسترده، هنوز نتوانسته اند یک منشور جامع حقوق بشری منطقه ای تدوین کنند. عوامل تأثیرگذار از جمله شامل دیدگاه های متناقض درباره حقوق بشر می شود: کشورهای دموکراتیک مانند ژاپن و کره جنوبی نگاه نزدیکی به استانداردهای جهانی دارند و کشورهای اقتدارگرا نظیر چین و کره شمالی نگاه محدودکننده تری به مفاهیم حقوق بشر دارند و اغلب آن ها را در تضاد با حاکمیت ملی می دانند. همچنین، برخی از کشورها اصول حقوق بشر جهانی را با ارزش های فرهنگی یا مذهبی خود در تعارض می بینند. اختلافات فرهنگی و مذهبی

۱. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: مقاله Human Rights in Asia: A Comparative Study از انتشارات دانشگاه کمبریج.

موجب شده تا تعریف واحدی از حقوق بشر در سطح منطقه‌ای وجود نداشته باشد. فقدان استانداردهای مشترک باعث شده تا سازمان‌های منطقه‌ای نظیر آسه‌آن نتوانند نقش مؤثری در ارتقای حقوق بشر ایفا کنند (Shelton D:2012: 55).

۳-۳-۲. نبود سازوکارهای الزام‌آور و قضایی

اغلب کشورهای آسیایی فاقد نهادهای ملی یا منطقه‌ای برای اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بشری هستند. ویژگی‌های کلیدی این مسئله از دو موضوع ناشی می‌شود: **مورد اول، نبود دیوان منطقه‌ای است؛** برخلاف اروپا، آفریقا و آمریکا، هیچ دادگاه حقوق بشری در آسیا وجود ندارد که بتواند به شکایات فردی رسیدگی کند یا آرای الزام‌آور صادر کند. **مورد دوم نیز ضعف سازوکارهای ملی است؛** بسیاری از کشورهای آسیایی هنوز چارچوب‌های حقوقی مناسبی برای حمایت از حقوق بشر در سطح ملی ایجاد نکرده‌اند و حتی در برخی کشورها، قوانین داخلی ناقض تعهدات بین‌المللی هستند (موسوی و اورعی، ۱۴۰۰: ۲۶).

نمونه‌های ناکارآمدی آن ناشی از این مسئله است که کمیسیون حقوق بشر آسه‌آن فاقد قدرت قضایی است و نمی‌تواند موارد نقض حقوق بشر را به‌طور مؤثر پیگیری کند. سازمان همکاری اسلامی نیز فاقد ابزارهای اجرایی برای تضمین حقوق بشر در کشورهای عضو است (Regional Human Rights Mechanisms in Asia 2020: para86).

۳-۳-۳. عدم تعهد به نهادهای بین‌المللی و صلاحیت جهانی

بسیاری از دولت‌های آسیایی از پذیرش صلاحیت نهادهای بین‌المللی و پیوستن به کنوانسیون‌های الزام‌آور خودداری می‌کنند. دلایل کلیدی این موضوع متعدد است. **عامل اول، نگرانی از مداخله در حاکمیت ملی است؛** کشورهای بزرگی مانند چین و هند از پذیرش صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری^۱ یا سایر نهادهای بین‌المللی اجتناب می‌کنند، زیرا آن‌ها را مداخله در امور داخلی خود می‌دانند. عامل دوم، **نبود اجماع سیاسی است؛** نداشتن همبستگی سیاسی میان کشورهای آسیایی باعث شده تا

1 International criminal court (ICC)

همکاری منطقه‌ای در حوزه حقوق بشر به‌طور جدی دنبال نشود (Rath, 2018: 77). این موارد پیامدهایی را به دنبال دارد. اول، **خلاً در پاسخگویی به موارد نقض حقوق بشر است.** کشورهای مانند میانمار یا کره شمالی که درگیر نقض‌های گسترده حقوق بشر هستند، به‌ندرت با عواقب جدی بین‌المللی روبه‌رو می‌شوند. دوم، **مقاومت در برابر اصلاحات است.** کشورهای آسیایی اغلب نسبت به تغییرات حقوق بشری بین‌المللی بی‌اعتنا یا حتی مخالف هستند.

۳-۳-۴. نمونه‌های مشخص از عدم تعهد

چین از پذیرش بسیاری از کنوانسیون‌های حقوق بشری یا صلاحیت دادگاه‌های بین‌المللی خودداری کرده است. استفاده از فناوری برای کنترل شهروندان، به‌ویژه اقلیت‌ها مانند اویغورها، نشان‌دهنده عدم پایبندی دولت این کشور به استانداردهای حقوق بشری است (Ho:2012: 35).

اگرچه هند به بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی پیوسته، اما در مواردی نظیر سرکوب سیاسی در کشمیر یا خشونت علیه اقلیت‌ها، تعهدات خود را نادیده گرفته است. ضعف‌های نظام حقوقی منطقه‌ای در آسیا ناشی از نبود استانداردهای مشترک، ضعف نهادهای قضایی و نداشتن تعهد بسیاری از دولت‌ها به نهادهای بین‌المللی است. این عوامل، همراه با تنوع گسترده سیاسی و فرهنگی، موجب شده تا قاره آسیا از داشتن یک نظام حقوق بشری قوی و الزام‌آور محروم باشد (Hsu:2018:28). برای رفع این ضعف‌ها، لازم است؛ اولاً استانداردهای مشترک حقوق بشری در سطح منطقه‌ای تدوین شوند؛ ثانیاً سازوکارهای قضایی الزام‌آور برای رسیدگی به شکایات فردی ایجاد شوند؛ ثالثاً کشورهای آسیایی تعهد بیشتری به نهادها و کنوانسیون‌های بین‌المللی نشان دهند.

۴. مزایای ایجاد دیوان آسیایی حقوق بشر

ایجاد دیوان آسیایی حقوق بشر، با وجود چالش‌های موجود، می‌تواند نقطه عطفی در تقویت حمایت از حقوق بشر در آسیا باشد. این دیوان می‌تواند با ارائه چارچوبی قضایی و

الزام‌آور، بسیاری از مشکلات کنونی منطقه را کاهش دهد و به ایجاد استانداردهای مشترک حقوق بشری کمک کند. در ادامه، ضرورت‌ها و مزایای ایجاد چنین نهادی بررسی می‌شود.

۴-۱. حل تنش‌های سیاسی و بحران‌های حقوق بشری

یکی از مهم‌ترین مزایای ایجاد دیوان آسیایی، ایفای نقش در مدیریت تنش‌های سیاسی و حقوق بشری است؛ برای مثال در بحران روهینگیا، دیوان می‌توانست در قامت یک نهاد قضایی بی‌طرف، نقش میانجی را میان دولت میانمار و جامعه بین‌المللی ایفا کند و روند رسیدگی به جرائم حقوق بشری را تسهیل کند. گفتنی است که در سایر موارد نقض حقوق اقلیت‌ها، دیوان می‌تواند به پرونده‌هایی نظیر وضعیت اویغورها در چین یا نقض حقوق سیاسی در مناطق مختلف آسیا رسیدگی کند (Peerenboom:2007:58). در مواردی که اختلافات سیاسی میان دولت‌ها به نقض حقوق بشر منجر می‌شود، دیوان می‌تواند با ارائه آرای الزام‌آور، به کاهش تنش‌ها کمک کند. برای مثال، در اختلافات مرزی یا تنش‌های قومی، آرای دیوان می‌تواند همچون مبنای حقوقی برای حل و فصل اختلافات عمل کند.

۴-۲. افزایش دسترسی به عدالت فراملی

بسیاری از قربانیان نقض حقوق بشر در آسیا، به‌ویژه در کشورهای با نظام‌های قضایی ناکارآمد یا وابسته به دولت، از دستیابی به عدالت محروم می‌مانند. این دیوان می‌تواند، فرصتی برای شهروندان فراهم کند تا بدون وابستگی به نظام قضایی ملی، شکایات خود را به نهادهای بی‌طرف ارائه دهند. در اروپا، دادگاه اروپایی حقوق بشر دسترسی شهروندان را به عدالت در برابر دولت‌های خود فراهم کرده و بسیاری از کشورها را به اصلاح نظام قضایی خود وادار کرده است (Pandi:2019:63). نقش دیوان در توسعه عدالت فراملی و بی‌طرفی قضایی مشهود است؛ ایجاد دیوان، دسترسی قربانیان را به نهادی بی‌طرف فراهم می‌کند که از نفوذ دولت‌ها مستقل است. در کشورهایی با نظام‌های قضایی ضعیف یا وابسته، این دیوان می‌تواند آخرین پناهگاه برای قربانیان نقض حقوق بشر باشد.

۳-۴. تقویت همبستگی و همکاری منطقه‌ای

با ایجاد دیوان آسیایی، قاره آسیا می‌تواند جایگاه خود را در عرصه بین‌المللی حقوق بشر ارتقا دهد و به الگوی موفقیت‌آمیزی در همکاری‌های منطقه‌ای تبدیل شود (Human Rights Watch: 2002: 90). تعامل میان کشورهای آسیایی در چارچوب دیوان، می‌تواند به تقویت همگرایی منطقه‌ای منجر شود و اختلافات میان کشورها را کاهش دهد. دادگاه حقوق بشر آفریقا و دیوان بین‌المللی حقوق بشر آمریکا نشان داده‌اند که همکاری قضایی منطقه‌ای، می‌تواند به ارتقای اعتماد متقابل میان دولت‌ها کمک کند (Human Rights in Asia-Pacific: Overview and Challenges 2021: para67).

۴-۴. تقویت استانداردهای حقوق بشری

دیوان آسیایی می‌تواند با تفسیر و اجرای اصول حقوق بشری، به تدوین و اجرای استانداردهای مشترک در سراسر قاره در **ایجاد وحدت رویه** کمک کند؛ همان‌طور که دادگاه اروپایی حقوق بشر در کشورهای عضو اصلاحات حقوقی را بنا ساخته، دیوان آسیایی نیز می‌تواند به اصلاح قوانین ناقض حقوق بشر ملی در کشورهای آسیایی نقش‌آفرینی کند (Muntarbhorn: 2018: para54)؛ دیوان می‌تواند با بررسی پرونده‌ها و صدور آرای شفاف، سطح آگاهی عمومی را نسبت به حقوق بشر افزایش دهد. همچنین دولت‌ها را به پایبندی بیشتر به تعهدات حقوق بشری وادار کند. ایجاد دیوان آسیایی حقوق بشر، یک ضرورت برای تقویت حمایت از حقوق بشر و مقابله با نقض‌های گسترده در قاره آسیاست. این دیوان می‌تواند با ایجاد سازوکارهای قضایی بی‌طرف، افزایش دسترسی به عدالت، تقویت همبستگی منطقه‌ای، و ارتقای استانداردهای حقوق بشری، نقشی حیاتی در ارتقای وضعیت حقوق بشر در آسیا ایفا کند (Nguyen: 2011: 140).

۵-۴. چالش‌ها و موانع^۱

ایجاد دیوان آسیایی حقوق بشر، اگرچه از لحاظ نظری و ضرورت‌های عملی قابل توجیه است، اما با چالش‌ها و موانع جدی مواجه است. این موانع که ریشه در **ابعاد سیاسی**

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: مقاله Human Rights: Challenges in Establishing Regional Human Rights Courts Quarterly.

حقوقی، فرهنگی و اجتماعی دارند، به‌ویژه در قاره‌ای به گستردگی و تنوع آسیا، نیازمند بررسی عمیق‌تر هستند (Jacobsen:2006: 57).

۴-۵-۱. عدم همگرایی منطقه‌ای

برخلاف اروپا که از طریق **اتحادیه اروپا** و دادگاه اروپایی حقوق بشر به همگرایی سیاسی و حقوقی دست یافته، آسیا فاقد چنین ساختارهای منسجمی است (Nehru:2021:68). **فقدان اتحادیه‌های قوی معلول توجه نکردن به نهادگرایی در این جغرافیا است. این امر در وهله دوم، ناشی از تفاوت در اولویت‌هاست؛** کشورهای آسیایی معمولاً به‌جای تمرکز بر حقوق بشر، بر توسعه اقتصادی، امنیت ملی و منافع داخلی تأکید دارند. این نداشتن همگرایی، ایجاد یک نهاد قضایی مشترک را دشوار می‌کند؛ زیرا زمینه‌های لازم برای همکاری منطقه‌ای وجود ندارد.

۴-۵-۲. حساسیت نسبت به حق حاکمیت ملی

بسیاری از دولت‌های آسیایی، به‌ویژه قدرت‌های بزرگ مانند **چین، هند، و روسیه**، مداخله در امور داخلی خود را به‌شدت غیرقابل قبول می‌دانند؛ به بیان دیگر، مفهوم حاکمیت در آسیا به مفهوم عالیه خود وجود دارد و این خود زمینه‌ساز هراس از نظارت فراملی خواهد بود. پذیرش نهادی مانند دیوان آسیایی حقوق بشر که می‌تواند دولت‌ها را در قبال نقض حقوق بشر پاسخ‌گو کند، با نگرانی‌هایی درباره از دست دادن کنترل بر سیاست داخلی همراه است. برای مثال، چین و هند تاکنون از پذیرش بسیاری از معاهدات حقوق بشری الزام‌آور اجتناب کرده‌اند، زیرا این معاهدات ممکن است با سیاست‌های داخلی آن‌ها در تضاد باشد (Kim:2014: 89).

۴-۵-۳. تفاوت‌های فرهنگی و دینی

توافق بر سر استانداردهای مشترک حقوق بشری دشوار است، زیرا برداشت‌های فرهنگی متفاوتی وجود دارد که ممکن است با یکدیگر تعارض داشته باشند. آسیا میزبان تنوع وسیعی از مذاهب و فرهنگ‌ها، از جمله اسلام، هندوئیسم، بودیسم و کنفوسیوس‌گرایی است که هر یک برداشت‌های خاص خود را از حقوق بشر دارند. در کنار این تنوع گسترده

فرهنگی و دینی، برخی جوامع اسلامی در آسیا، مانند کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی، ممکن است اصول حقوق بشر سکولار را ناقض ارزش‌های دینی خود بدانند و بر ارزش‌های اسلامی تأکید داشته باشند؛ نهایت آنکه در این بستر، ممکن است مفهوم جمع‌گرایی در برابر فردگرایی قرار گیرد؛ آن‌چنان که در برخی از فرهنگ‌های آسیایی، مانند کشورهای شرق آسیا، اولویت به **حقوق جمعی** داده می‌شود، در حالی که استانداردهای جهانی حقوق بشر بیشتر بر **حقوق فردی** تأکید دارند (Nasu:2016: 76).

۴-۵-۴. موانع حقوقی و سیاسی

کشورهای آسیایی سیستم‌های حقوقی بسیار متنوعی دارند؛ از کشورهای اسلامی مانند عربستان سعودی و ایران گرفته تا کشورهای **سکولاری** نظیر ژاپن و هند و کشورهای **مبتنی بر عرف و انصاف** در جنوب شرق آسیا؛ بنابراین، هماهنگ‌سازی این نظام‌های حقوقی مختلف در چارچوب دیوان آسیایی، نیازمند تلاش زیادی برای ایجاد یک چارچوب حقوقی مشترک است (Muntarbhorn:2018: 139).

کشورهایی مانند چین و هند، به دلیل موقعیت سیاسی و اقتصادی خود، ممکن است با ایجاد دیوان مخالف باشند، زیرا این نهاد می‌تواند نفوذ آن‌ها را محدود کند. آن‌چنان که مونتاربهورن در کتاب «پیش‌به‌سوی حقوق بشر در منطقه آسیا» به این موضوع که کشورهای قدرتمند آسیایی تمایلی به پذیرش نظارت قضایی بین‌المللی ندارند، اشاره کرده است. کشورهای آسیایی اغلب در مسائل کلیدی منطقه‌ای، مانند حقوق اقلیت‌ها، آزادی بیان و مسائل جنسیتی، مواضع متفاوتی دارند که ممکن است مانع از دستیابی به اجماع شود.

۴-۵-۵. موانع فرهنگی-اجتماعی

-**برداشت‌های متفاوت از حقوق بشر:** در برخی از جوامع آسیایی، حقوق بشر همچون مفهومی غربی در نظر گرفته می‌شود که ممکن است با ارزش‌های محلی در تعارض باشد.
-**عدم آگاهی عمومی:** بسیاری از مردم در کشورهای آسیایی از حقوق خود آگاهی کافی ندارند، که این امر مانع از مشارکت مؤثر در حمایت از سازوکارهای حقوق بشری می‌شود.
ایجاد دیوان آسیایی حقوق بشر با چالش‌های جدی مواجه است، از جمله **فقدان همگرایی منطقه‌ای**، **حساسیت دولت‌ها به مداخله خارجی**، **تنوع فرهنگی و دینی و موانع**

حقوقی و سیاسی. با این وجود، اگر این چالش‌ها به درستی مدیریت شوند، این دیوان می‌تواند به ارتقای وضعیت حقوق بشر در آسیا کمک شایانی کند (Nakamura: 2021: 88). گام‌های پیشنهادی برای غلبه بر موانع عبارت‌اند از: نخست، ایجاد نهادهای مشورتی و غیرالزام‌آور برای تقویت اعتماد میان کشورها؛ دوم، ترویج آموزش عمومی درباره حقوق بشر و اهمیت آن در سطح منطقه‌ای؛ سوم، تعامل سازنده با قدرت‌های بزرگ آسیایی برای جلب حمایت آن‌ها از این نهاد و چهارم، بهره‌گیری از تجربه‌های سایر مناطق، مانند اروپا و آفریقا، برای ایجاد یک مدل قابل اجرا و سازگار با ویژگی‌های آسیا.

مطالعاتی مانند «Towards a Human Rights System in the Asian Region» از مون‌تار بهورن نیز بررسی می‌کنند که چرا آسیا فاقد سازوکار حقوق بشری قوی و جامع است و چگونه می‌توان با ایجاد نهادهایی مشابه دیوان‌های آفریقایی و اروپایی، نقض حقوق بشر را کاهش داد. چالش‌های اصلی شامل تفاوت‌های فرهنگی و سیاسی، حساسیت نسبت به حاکمیت ملی و نداشتن تمایل به پذیرش نظارت بین‌المللی است.

۵. راهکارها و الزامات ایجاد دیوان آسیایی

برای ایجاد یک دیوان آسیایی حقوق بشر، ضروری است که گام‌هایی آهسته اما محکم برداشته شود تا بتوان به تدریج اعتماد میان کشورهای مختلف آسیا را جلب کرد و زمینه‌های حقوقی، سیاسی و اجتماعی لازم برای تأسیس چنین نهادی فراهم شود. در این بخش، راهکارها و پیش‌نیازهای کلیدی برای تحقق این هدف آورده شده است.

۵-۱. گام‌های تدریجی برای ایجاد اعتماد میان کشورها

اولین گام برای تأسیس دیوان آسیایی حقوق بشر، ایجاد اعتماد میان کشورهای عضو است. این اعتماد باید از طریق همکاری‌های منطقه‌ای در زمینه‌های مختلف، از جمله مسائل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، تقویت شود. همکاری‌های ابتدایی می‌تواند از طریق نهادهای مشورتی و منشورهای حقوق بشری غیرالزام‌آور انجام گیرد که به کشورهای مختلف فرصت می‌دهد تا براساس منافع مشترک و ارزش‌های انسانی کار کنند، بدون اینکه نگرانی‌هایی در مورد حاکمیت ملی خود داشته باشند. انجام این فرایند تدریجی، با تمرکز

بر کاهش تنش‌های سیاسی، می‌تواند زمینه را برای ایجاد نهادهای حقوق بشری قانونی و الزام‌آور در آینده فراهم کند. به این معنا که همگرایی منطقه‌ای با اقدامات دیپلماتیک نظیر مذاکره، میانجیگری پایمردی و مساعی جمیله تنش‌ها تا حداقل ممکن کاهش یابد؛ باتوجه به تحولات اخیر منطقه و کاهش سطح تنش میان ایران و عربستان این مهم امری محال نیست.

۵-۲. ایجاد نهادهای مشورتی در قامت اولین گام پیش از تشکیل دادگاه

پیش از تأسیس دیوان قضایی حقوق بشر، ایجاد نهادهای مشورتی برای حقوق بشر می‌تواند، قدمی مهم باشد. این نهاد می‌تواند وظیفه مشاوره و نظارت بر وضعیت حقوق بشر را در سطح منطقه‌ای بر عهده گیرد. این نهاد باید از قدرت نظارتی برخوردار باشد، اما به‌طور موقت از قدرت قضایی و الزام‌آور خودداری کند تا کشورهای عضو نگرانی‌های مربوط به حاکمیت ملی خود را کاهش دهند. پس از مدت زمانی که این نهاد مشورتی در زمینه حقوق بشر فعالیت کرد و کشورهای مختلف به فرایندهای آن عادت کردند، می‌توان به تدریج نهاد قضایی الزام‌آور را در سطح منطقه‌ای تأسیس کرد. به این ترتیب که نقش دیوان در وهله نخست، صرفاً در کارکرد مشورتی خلاصه یابد و پس از اعطای عنصر رضایت^۱، از حداقل نیمی از دولت‌های آسیایی، به نقش توافقی خود اقدام کند.

۵-۳. تصویب منشور حقوق بشر آسیایی

ایجاد منشور حقوق بشر آسیایی همچون یک سند مشترک که تعهدات حقوق بشری دولت‌های آسیایی را تعریف کند، گامی اساسی در مسیر ایجاد دیوان حقوق بشر است. این منشور باید شامل اصول و معیارهای حقوق بشری باشد که برای همه کشورهای عضو قابل قبول و اجرایی باشد. تهیه منشور باید با توافق کشورهای مختلف آسیایی انجام گیرد و از آنجاکه آسیا به لحاظ فرهنگی و دینی تنوع زیادی دارد، مذاکرات جامع برای تعیین اصول و استانداردهای این منشور ضروری است. این منشور باید شامل بندهایی باشد که کشورهای عضو را موظف به پذیرش اصول کلی حقوق بشر کند، بدون اینکه با سیاست‌های

داخلی آن‌ها در تضاد باشد. منشور حقوق بشر آسیایی باید تعهدات مشخصی در زمینه‌های مختلف مانند: آزادی‌های فردی، حقوق اقلیت‌ها، حقوق زنان و کارگران را شامل شود. شایان ذکر است که منشور تکالیف دول آسیایی می‌تواند، تلفیقی از سه منشور سلف خود باشد و اقتباس منطقی متناسب با زیست جغرافیایی خود داشته باشد. شایسته است که این منشور از اصول کلی حقوقی مورد اتفاق بحث کند و از سخن گفتن پیرامون موارد اختلافی در مرحله نخست پیش‌نویس اجتناب ورزد؛ وگرنه بیم آن می‌رود که این منشور نیز به سرنوشت کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲) و سایر کنوانسیون‌هایی که به مرحله لازم‌الاجرائی نرسیده‌اند، مبتلا شود و هم‌چنان از تحقق این فرایند محروم بمانیم.

۴-۵. ارتقای آگاهی عمومی

افزایش آگاهی عمومی درباره حقوق بشر یکی از پیش‌نیازهای اساسی برای تأسیس دیوان آسیایی است. بدون آگاهی و درک عمومی از اهمیت حقوق بشر، هرگونه تلاش برای تأسیس نهاد حقوق بشری می‌تواند با مقاومت مواجه شود. برگزاری کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها، می‌تواند نسل‌های آینده را با مفاهیم حقوق بشر آشنا کند و به پذیرش گسترده‌تر این اصول کمک کند. همچنین باید مقامات دولتی و تصمیم‌گیرندگان در کشورهای مختلف آموزش ببینند تا در سیاست‌گذاری‌های خود حقوق بشر را در نظر بگیرند و از این طریق، زمینه را برای پذیرش سازوکارهای حقوق بشری و دیوان آسیایی فراهم آورند. پس از اجماع دولت‌های نابرابر و ناتراز از نظر اقتصادی و سیاسی، قبل از هر چیزی معرفت‌افزایی به اشخاص حقیقی^۱ مهم است؛ زیرا مادامی که اتباع از فرایند حمایتی و تضمین تحقق حقوق خود به‌نحو مستقل و به دور از القائات و دخالت‌های دولت‌ها آگاه و برخوردار شوند، اقبال برای به رجوع دیوان به‌مراتب بیشتر شده و این امر به کارآمدی آن منجر خواهد شد.

با اجرای این گام‌ها، می‌توان زمینه را برای تأسیس دیوان آسیایی حقوق بشر فراهم کرد که بهبود وضعیت حقوق بشر در آسیا را تسریع خواهد بخشید (Lee: 2020: 42).

1 individual

۶. طراحی پیشنهادی برای دیوان آسیایی حقوق بشر

از آنجا که آسیا تنوع فرهنگی، دینی و حقوقی زیادی دارد، طراحی دیوان آسیایی باید به گونه‌ای باشد که این تفاوت‌ها را در نظر گرفته و مدل‌های حقوق بشری را به‌طور مؤثر و با شرایط خاص منطقه تطبیق داد. برای مثال، بررسی و تحلیل چالش‌های فرهنگی و سیاسی در آسیا، به‌ویژه تفاوت‌های دیدگاه‌ها در مورد حقوق بشر اسلامی و سکولار، می‌تواند به طراحی سازوکارهای حقوق بشری مناسب‌تر کمک کند (Mullerson:2018: 340). طراحی دیوان آسیایی حقوق بشر باید به گونه‌ای باشد که استقلال قضایی، صلاحیت‌های گسترده و سازوکارهای اجرائی مؤثر را تضمین کند. این نهاد باید قادر باشد با بهره‌گیری از تجربه‌های دیگر دیوان‌های بین‌المللی و تطبیق آن‌ها با شرایط خاص آسیا، نقش مؤثری در تقویت حقوق بشر و ارتقای عدالت در این قاره ایفا کند.

در راستای تحقق یک نهاد حقوق بشری مستقل و مؤثر در سطح قاره آسیا، طراحی دیوان آسیایی حقوق بشر باید دربرگیرنده ابعاد مختلف حقوقی، قضایی و اجرایی باشد. این بخش به بررسی چهار حوزه کلیدی شامل ساختار حقوقی و قضایی، صلاحیت دیوان، نحوه اجرا و ضمانت‌ها و الگوهای تطبیقی پرداخته است.

۶-۱. ساختار حقوقی و قضائی دیوان آسیایی حقوق بشر

(۱) **اعضای دیوان:** اعضای دیوان باید از قضات مستقل و غیروابسته به دولت‌ها انتخاب شوند. هدف این است که قضات، نه تنها از تخصص‌های حقوقی و تجربه‌های مختلف برخوردار باشند، بلکه به‌طور کامل از هرگونه فشار سیاسی و دولتی مصون بمانند.

(۲) **ترکیب قضات مستقل:** ترکیب دیوان باید به گونه‌ای باشد که اعضای آن کاملاً مستقل از کشورهای عضو و بدون هرگونه تأثیر از نهادهای دولتی عمل کنند. اعضای دیوان باید از قضات با صلاحیت‌های قانونی، اخلاقی و تخصصی در حوزه حقوق بشر باشند. این قضات باید توانایی بررسی پیچیدگی‌های حقوقی و فرهنگی‌ای را که در قاره آسیا وجود دارد، داشته باشند و در برابر فشارهای سیاسی بتوانند از استقلال خود دفاع کنند.

(۳) **تعداد قضات:** تعداد قضات دیوان باید به گونه‌ای باشد که بتواند تعداد زیاد پرونده‌های مختلف را بررسی و تصمیم‌های متعادل و کارآمد اتخاذ کنند. پیشنهاد می‌شود که دیوان

شامل ۱۵ قاضی از کشورهای عضو باشد. این تعداد به دیوان اجازه می‌دهد که تصمیم‌های جمعی اتخاذ کند و از سوی دیگر تنوع نظرات و رویکردهای حقوقی کشورهای مختلف آسیا را به خوبی منعکس کند.

۴) **ویژگی‌های قضات:** اعضای دیوان باید ویژگی‌هایی همچون: تخصص در حقوق بشر، توانایی قضایی و تجربه در رسیدگی به پرونده‌های پیچیده حقوق بشری، آگاهی از تنوع فرهنگی و مذهبی آسیا و صلاحیت اخلاقی و قانونی را داشته باشند؛ البته قضات به جهت تناسب و عدالت می‌بایست به لحاظ معیار پراکندگی جغرافیایی از نقاط مختلف انتخاب شوند و می‌توان از قواعد نانوشته‌ای که در ترکیب دیوان بین‌المللی دادگستری به کار گرفته می‌شود (معیار تمدن‌های بزرگ حقوقی)، به صورت موضوعه و نه صرفاً عرفی یاری طلبید.

۵) **معیارهای انتخاب قضات:** قضات باید براساس معیارهای تخصصی و اخلاقی انتخاب شوند. انتخاب قضات باید به گونه‌ای باشد که عدالت و بی‌طرفی در تمام مراحل قضایی دیوان حفظ شود. هیئت‌های انتخاب قضات باید از نهادهای معتبر حقوق بشری و بین‌المللی تشکیل شوند.

۶) **الگوی انتخاب:** مدل انتخاب قضات باید مشابه با **دیوان اروپایی حقوق بشر و دادگاه بین‌المللی کیفری** باشد که براساس استانداردهای بالای قضایی و اخلاقی عمل می‌کنند. این الگو تضمین می‌کند که اعضای دیوان در حین عملکرد قضایی خود تحت تأثیر عوامل سیاسی قرار نگیرند. مدل انتخاب قضات دیوان آسیایی باید از تجربه‌های موفق نهادهای بین‌المللی مشابه مانند: **دیوان اروپایی حقوق بشر و دادگاه بین‌المللی کیفری** الگوبرداری کند. برای اطمینان از استقلال و بی‌طرفی قضات، هیئت انتخابی باید اعضای دیوان را براساس معیارهای تخصصی و اخلاقی انتخاب کند.

۷) **هیئت انتخاب قضات:** هیئت انتخاب قضات باید شامل نمایندگانی از کشورهای عضو، سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری و نهادهای بین‌المللی معتبر باشد. این هیئت باید در فرایند انتخاب قضات شفافیت و عدالت را رعایت کند.

۸) **مدت زمان انتخاب و تجدید انتخاب:** قضات دیوان باید برای مدت زمان معین (مثلاً ۶ سال) انتخاب شوند و پس از پایان این مدت، امکان **تجدید انتخاب** برای دوره‌های بعدی

وجود داشته باشد. این روند به دیوان امکان می‌دهد که هم‌زمان از **تخصیص افراد جدید** استفاده کند و از **نظارت مستمر** برخوردار باشد.

۶-۱-۱. ساختار اجرایی

دیوان باید دبیرخانه‌ای مستقل داشته باشد که وظیفه پشتیبانی از فعالیت‌های قضایی و اجرایی دیوان را بر عهده گیرد. دبیرخانه باید به‌طور مستقل از دولت‌ها و تحت نظارت دیوان عمل کند تا بتواند فرایندهای اجرایی و پیگیری‌های حقوقی را به‌درستی انجام دهد. یکی از ارکان اساسی دیوان آسیایی حقوق بشر، **دبیرخانه مستقل** است که وظیفه پشتیبانی از فعالیت‌های دیوان را بر عهده دارد. دبیرخانه باید به‌طور کامل از هرگونه تأثیر خارجی و دولتی مستقل باشد و فرایندهای اجرایی و اداری دیوان را تسهیل بخشد. دبیرخانه می‌تواند وظایف مختلفی، از جمله مدیریت پرونده‌ها، هماهنگی با کشورهای عضو، پیگیری آرای صادره، تهیه گزارش‌های سالانه و مشاوره با سازمان‌های حقوق بشری را بر عهده گیرد. تعداد کارکنان باید کافی باشد تا بتوانند به‌طور مؤثر و با سرعت لازم به پرونده‌ها رسیدگی کنند. کارکنان دبیرخانه باید از تخصص‌های مختلف در زمینه‌های حقوقی، حقوق بشر، زبان‌شناسی و دیپلماسی برخوردار باشند. دبیرخانه باید در مکانی مرکزی مستقر شود تا بتواند به‌طور مؤثر ارتباطات بین‌المللی و منطقه‌ای را برقرار کند. پیشنهاد می‌شود که دبیرخانه در یک کشور مرکزی آسیایی که دسترسی به آن برای کشورهای عضو راحت باشد، مستقر شود؛ مانند قزاقستان (Liu:2019: 96).

۶-۲. صلاحیت دیوان آسیایی حقوق بشر

(۱) **صلاحیت شخصی:** دیوان باید صلاحیت رسیدگی به شکایات افراد و گروه‌ها علیه دولت‌ها را داشته باشد. به این ترتیب، هر فرد یا گروهی که در یک کشور آسیایی، حقوق بشرشان نقض شده باشد، می‌تواند شکایت خود را به دیوان ارائه دهد. این صلاحیت از یک سو قدرتی به قربانیان نقض حقوق بشر می‌دهد و از سوی دیگر موجب مسئولیت‌پذیری دولت‌ها در قبال اقدامات خود می‌شود.

۲) صلاحیت موضوعی: دیوان باید صلاحیت رسیدگی به نقض‌های حقوق اساسی مانند: حق زندگی، آزادی بیان، آزادی از شکنجه و اعدام خودسرانه، مبارزه با تبعیض نژادی و سایر موارد مشابه را داشته باشد.

این صلاحیت موضوعی باید به دیوان اجازه دهد که به موارد جدی نقض حقوق بشر در کشورهای مختلف آسیایی رسیدگی کرده و احکام الزام‌آوری صادر کند (Muench:2017: 98).

۳-۶. نحوه اجرا و ضمانت‌ها

۱) سازوکارهای الزام‌آور برای اجرای آرای دیوان: برای تضمین اثربخشی دیوان، باید سازوکارهای الزام‌آور برای اجرای آرای صادره وجود داشته باشد. این به معنای آن است که کشورهای عضو باید ملزم شوند تا به طور کامل و در زمان مشخص، آرای دیوان را اجرا کنند. در غیر این صورت، دیوان باید قادر به اعمال فشارهای دیپلماتیک و حقوقی برای اجرای این آرا باشد.

۲) همکاری با نهادهای بین‌المللی: دیوان باید به طور مداوم با نهادهای بین‌المللی معتبر مانند: سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا همکاری کند. این همکاری‌ها می‌توانند به اعمال فشار بر کشورهای عضو و تسهیل در اجرای آرای دیوان کمک کنند.

۳) مکانیزم‌های ضمانت اجرا: مکانیزم‌هایی نظیر تعلیق عضویت دولت‌های متخلف از دیوان آسیایی حقوق بشر می‌توانند برای افزایش قدرت اجرایی آرای دیوان استفاده شوند. علاوه بر این، باید از مجازات‌های اقتصادی و دیپلماتیک برای اعمال فشار بر کشورهایی که از اجرای آرای دیوان سرباز می‌زنند، بهره برد (Lambert:2012: 32).

۷. واکنش دولت جمهوری اسلامی ایران

دولت ایران در قبال موضوع‌های حقوق بشری و به‌ویژه پیشنهادها برای تشکیل نهادهای حقوق بشری منطقه‌ای مانند دیوان آسیایی معمولاً رویکردی محتاطانه و حتی انتقادی دارد. این رویکرد به دلایل مختلفی شکل گرفته که هم‌راستا با نگرانی‌های حاکمیتی و

سیاسی ایران در سطح داخلی و بین‌المللی به‌صورت رهیافت آینده‌نگرانه به شرح ذیل است:

۷-۱. نگرانی از مداخلات خارجی: ایران، به‌طور عمومی، نگران مداخلات خارجی در امور داخلی خود به‌ویژه در زمینه حقوق بشر، است. در سال‌های اخیر، ایران با انتقادهای زیادی از سوی سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های غربی درمورد وضعیت حقوق بشر مواجه بوده است. دولت ایران ممکن است به این نتیجه برسد که تشکیل یک دیوان آسیایی، که احتمالاً می‌تواند نظارت و فشار بر وضعیت حقوق بشر در کشورهای عضو را تقویت کند، تهدیدی برای استقلال تصمیم‌گیری داخلی باشد. ایران به‌دلیل سابقه مسائل حقوق بشری در عرصه بین‌المللی، ممکن است چنین نهادی را همچون ابزاری برای فشار خارجی بر حکومت خود ببیند.

۷-۲. حمایت از اصول حاکمیت ملی: ایران همواره در سیاست‌های بین‌المللی خود بر اصل حاکمیت ملی تأکید کرده است. در این راستا، حضور در نهادهای حقوق بشری بین‌المللی یا منطقه‌ای که ممکن است، تصمیم‌گیری‌های آن‌ها بر اساس معیارهای جهانی باشد، می‌تواند برای ایران چالش‌برانگیز باشد. از این منظر، دولت ایران احتمال دارد نسبت به تأسیس یک دیوان آسیایی که قدرت نظارت و دادرسی بر کشورهای عضو را داشته باشد، واکنش منفی نشان دهد؛ زیرا این نوع نظارت ممکن است به تضعیف استقلال تصمیم‌گیری در داخل کشور منجر شود.

۷-۳. نگرانی از استانداردهای حقوق بشری جهانی: ایران در گذشته بارها به انتقادهایی که از سوی سازمان‌های بین‌المللی مانند: سازمان ملل یا کمیته‌های حقوق بشری مطرح شده است، واکنش نشان داده و برخی از این انتقادات را در قامت «دوگانه‌سازی» یا «سیاسی» دانسته است. ایران ممکن است نگران باشد که دیوان آسیایی، براساس استانداردهای حقوق بشری جهانی که احتمالاً با قوانین و ارزش‌های بومی کشورها یا منطقه ناسازگار باشد، به شکل ناخواسته‌ای اعمال فشار کند.

۷-۴. تمایل به حل مسائل حقوق بشری به صورت مستقل: ایران ترجیح می‌دهد، مسائل حقوق بشری خود را در چارچوب‌های داخلی و منطقه‌ای که خودش تعیین می‌کند، حل

کند. مثلاً ایران در برخی موارد به موافقت‌نامه‌هایی مانند کنوانسیون حقوق بشر اسلامی اشاره کرده که به نوعی راهی برای تأسیس استانداردهای حقوق بشری در چارچوب فرهنگ و مذهب اسلامی است؛ بنابراین، ایران ممکن است به جای دیوان آسیایی، بیشتر به دنبال تقویت نهادهای منطقه‌ای باشد که سازگاری بیشتری با اصول خود داشته باشند. ۷-۵. سیاست‌های منطقه‌ای و روابط با کشورهای همسایه: ایران در بسیاری از مسائل سیاسی منطقه‌ای، به‌ویژه در خاورمیانه و آسیای غربی، نقش مهمی ایفا می‌کند. به همین دلیل، دولت ایران ممکن است به تشکیل نهادهای منطقه‌ای که احتمال دارد در دایره نظارت حقوق بشری قرار گیرند، از این نظر که می‌تواند منجر به دخالت در مسائل داخلی یا روابط با کشورهای همسایه شود، بی‌میل باشد.

۷-۶. احتمال پذیرش در صورت تنظیم برخی پیش‌شرط‌ها: با این حال، دولت ایران در صورتی که دیوان آسیایی بتواند تضمین‌هایی بدهد که براساس اصول حق حاکمیت و احترام به فرهنگ‌ها و ارزش‌های ملی عمل کند، ممکن است با آن کنار بیاید. همچنین احتمال دارد ایران از تشکیل نهادهایی که هیچ‌گونه فشار بیرونی بر سیاست‌های داخلی آن اعمال نکنند، استقبال کند. البته به شرطی که این نهادها همچون یک ابزار برای گفت‌وگو و همکاری در مسائل حقوق بشری و نه در قامت ابزاری برای نظارت و مجازات کشورهای عضو عمل کنند.

به‌طور کلی، نظرات و واکنش‌های ایران در مورد تشکیل دیوان آسیایی و مسائل مشابه به ملاحظات حاکمیتی، سیاسی و فرهنگی برمی‌گردد. احتمالاً ایران ممکن است با نهادهایی موافق باشد که به نوعی بتوانند حقوق بشر را بدون دخالت در امور داخلی کشورها ارتقا دهند، اما در عین حال مخالف نظارت‌های مستقیم بین‌المللی است که احتمال دارد در تضاد با اصول حاکمیت ملی قرار بگیرد. این رویکردهای محتاطانه و حتی مخالف، می‌تواند در آینده با توجه به تغییرات سیاسی داخلی و بین‌المللی تغییر کنند، اما در حال حاضر چنین واکنش‌هایی نسبت به طرح‌های مشابه قابل پیش‌بینی است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

حقوق بشر در قامت یکی از اصول بنیادین در جامعه جهانی، به‌طور فزاینده‌ای در قرن بیست‌ویکم یکی از ارکان توسعه انسانی و صلح جهانی شناخته می‌شود. با این حال، در منطقه آسیای بزرگ، علی‌رغم گستردگی و اهمیت موضوع‌های حقوق بشری، اقدام‌های مؤثری برای نظارت و رسیدگی به نقض‌های حقوق بشر در مقیاس منطقه‌ای در دسترس نیست. کشورهای نظیر چین، میانمار و کره شمالی به‌طور مستمر در صدر گزارش‌های نقض حقوق بشر قرار دارند و این نشان‌دهنده وجود خلأهای جدی در سیستم حقوقی و قضایی منطقه است. از این‌رو، پیشنهاد **تشکیل** یک دیوان آسیایی حقوق بشر در قامت نهادی مستقل و مؤثر برای پاسخ به این چالش‌ها و ایجاد مکانیسمی برای اجرای عدالت در سطح منطقه‌ای مطرح می‌شود.

تشکیل یک دیوان آسیایی حقوق بشر، نه تنها یک نیاز فوری است، بلکه به‌نظر می‌رسد که این نهاد قادر خواهد بود تا بسیاری از چالش‌های موجود را در سطح منطقه‌ای حل کند. درحالی‌که تلاش‌ها برای حقوق بشر در سطح ملی و بین‌المللی در برخی موارد پیشرفت‌هایی داشته است، نبود یک نهاد قضائی منطقه‌ای که مسئولیت رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر را بر عهده داشته باشد، موجب شده تا بسیاری از قربانیان نقض حقوق بشر در کشورهای آسیایی به عدالت دسترسی نداشته باشند.

مهم‌ترین چالش‌ها در این مسیر، **تنوع فرهنگی، سیاسی و اقتصادی** کشورهای آسیایی است. این تنوع موجب می‌شود که کشورهای مختلف دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به حقوق بشر داشته باشند و در نتیجه، همگرایی میان کشورهای آسیایی دشوار باشد. به‌ویژه تفاوت‌های فرهنگی و دینی، که در برخی موارد شامل برداشت‌های متضاد از حقوق بشر در قالب «ارزش‌های آسیایی» در مقابل «حقوق بشر جهانی» است، همچون یکی از بزرگ‌ترین موانع بر سر راه ایجاد چنین نهادی به‌شمار می‌روند. برخی کشورها مانند مالزی و سنگاپور بر این باورند که حقوق بشر باید با فرهنگ و ارزش‌های بومی سازگار باشد و این نگرش می‌تواند، تعارض‌هایی جدی با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر ایجاد کند. از سوی دیگر، کشورهای آسیایی با چالش‌های اقتصادی و منابع محدود نیز روبه‌رو هستند

که می‌تواند، تأثیر منفی بر اراده سیاسی و حمایت از تأسیس یک نهاد حقوق بشری مستقل داشته باشد. بااین‌حال، بحران‌های حقوق بشری و نقض‌های گسترده حقوق بشر در کشورهای مختلف مانند: میانمار، چین و کره شمالی می‌تواند کشورها را به ایجاد چنین نهادهی ترغیب کند.

برای موفقیت در تشکیل دیوان آسیایی حقوق بشر، فرایندهای تدریجی و گام‌به‌گام باید مورد توجه قرار گیرد. **مرحله اول**، ایجاد یک نهاد مشورتی مشابه **کمیسیون بین‌دولتی حقوق بشر آسه‌آن است**. این نهاد می‌تواند به‌طور غیرقضایی نظارت و مشاوره ارائه دهد و در ابتدا همچون یک بستر مناسب برای گفت‌وگو و تبادل نظر میان کشورهای آسیایی عمل کند. در این مرحله، وظیفه اصلی آن باید شناسایی مشکلات حقوق بشری و پیشنهاد راه‌حل‌های غیرالزام‌آور باشد. **مرحله دوم**، حرکت به سمت ایجاد یک دیوان با صلاحیت محدود است. در این مرحله، دیوان می‌تواند در قامت نهادهی با صلاحیت مشورتی و قضایی آغاز به کار کند و فقط به برخی از نقض‌های حقوق بشر (مثلاً حقوق کودکان یا حق زندگی) رسیدگی کند. این مرحله می‌تواند همچون یک آزمایش عملی برای ارزیابی عملکرد دیوان و اعتمادسازی میان کشورهای آسیایی عمل کند.

آموزش حقوق بشر در سطح منطقه‌ای برای مقام‌های دولتی، فعالان حقوق بشر و عموم مردم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. **برنامه‌های آموزشی حقوق بشر** باید به‌طور ویژه بر آموزش استانداردهای بین‌المللی و مفاهیم حقوق بشر در بستر فرهنگی آسیایی متمرکز باشند. این آموزش‌ها، نه تنها به درک بهتر حقوق بشر کمک می‌کنند، بلکه زمینه‌ساز پشتیبانی و همکاری کشورهای مختلف برای تشکیل دیوان آسیایی خواهند شد. همکاری و تعامل با **سازمان ملل متحد** و سایر نهادهای بین‌المللی مانند **اتحادیه اروپا** می‌تواند کمک شایانی در تأمین منابع مالی و تخصصی برای دیوان آسیایی باشد. به‌ویژه در مراحل ابتدایی، دیوان آسیایی ممکن است نیاز به حمایت مالی و فنی از نهادهای بین‌المللی برای تقویت ساختار اجرایی و قضایی خود داشته باشد.

بنابراین، ایجاد دیوان آسیایی حقوق بشر یک قدم مهم و ضروری در راستای ارتقای حقوق بشر در منطقه‌ای است که هنوز با چالش‌های زیادی در این زمینه روبه‌رو است. این نهاد

می‌تواند در قامت یک ابزار کارآمد برای کاهش نقض‌های حقوق بشر در کشورهای آسیایی و افزایش همکاری میان کشورها عمل کند. درعین حال، موفقیت چنین نهادی بستگی به تعامل دقیق، تدریجی و جامع کشورهای آسیایی در زمینه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دارد. از این رو، اقدامات اولیه باید بر پایه اعتمادسازی، آموزش و تدوین منشور حقوق بشر مشترک باشد. درنهایت، ایجاد یک دیوان مؤثر، متعادل و با صلاحیت‌های قضایی گسترده، به‌ویژه در زمینه‌های حقوق اساسی، می‌تواند امیدی برای آینده‌ای بهتر و عادلانه‌تر در آسیا باشد.

***پیشنهادهایی برای طراحی و ساختار دیوان آسیایی حقوق بشر**

الف. تدوین منشور حقوق بشر آسیایی: یکی از پیش‌نیازهای اصلی برای ایجاد دیوان آسیایی، تدوین منشور حقوق بشر آسیایی است. این منشور باید نقاط مشترک فرهنگی و دینی کشورهای آسیایی را در کنار اصول جهانی حقوق بشر مورد توجه قرار دهد. این سند می‌تواند، مبنای قانونی برای تشکیل دیوان و همچنین ضامن تعهدات کشورهای آسیایی به حقوق بشر باشد.

ب. برگزاری نشست‌های منطقه‌ای: نشست‌های منطقه‌ای و گفت‌وگوهای حقوق بشری می‌توانند، زمینه‌های اعتمادسازی و همکاری بیشتر میان کشورهای آسیایی را فراهم آورند. این نشست‌ها باید فرصت‌هایی را برای تبادل تجربه‌ها و استراتژی‌های موفق در حوزه حقوق بشر فراهم کنند. کشورهای آسیایی می‌توانند از تجربه‌ها دیگر مناطق جهان مانند آفریقا و اروپا بهره‌برداری کنند تا از اشتباه‌های گذشته اجتناب کنند و راه‌حل‌های مؤثری را برای چالش‌های حقوق بشری خود پیدا کنند.

ج. تأسیس دادگاهی با قدرت محدود در مراحل اولیه: در ابتدا، دیوان آسیایی می‌تواند بر رسیدگی به نقض‌های حقوق بشر در حوزه‌هایی تمرکز کند که میان کشورهای عضو مورد توافق قرار گرفته است. برای مثال، حقوق کودکان، منع شکنجه و حق بر حیات می‌تواند اولویت‌های اصلی دیوان در مراحل ابتدایی باشد. این رویکرد به کشورهای آسیایی این

فرصت را می‌دهد تا از تجربه اولیه دیوان بهره‌برداری کنند و در مراحل بعدی، صلاحیت‌های آن را گسترش دهند.

د. ادغام ارزش‌های بومی در چارچوب حقوق بشر: یکی از چالش‌های مهم در این مسیر، تنوع فرهنگی در آسیا است؛ بنابراین، باید مکانیزم‌هایی برای ادغام ارزش‌های بومی در چارچوب حقوق بشر ایجاد شود. این کار، به‌ویژه در کشورهای آسیایی با اکثریت مسلمان یا فرهنگ‌های سنتی، می‌تواند نقش مهمی در جلب همکاری و مشارکت دولت‌ها ایفا کند. این ارزش‌ها باید به‌گونه‌ای در منشور و ساختار دیوان وارد شوند که با استانداردهای جهانی حقوق بشر سازگار باشند.



منابع و مأخذ:

فارسی و لاتین

- (۱) مومنی راد، احمد و کیخسروی، مهدی . (۱۳۹۸). سازوکارهای منطقه‌ای حقوق بشر: گونه‌ها، چالش‌ها و راهکارها، مطالعات حقوق بشر اسلامی 8(2), 111-134 ,
- (۲) موسوی، سید فضل الله و اورعی، حمیدرضا . (۱۴۰۰). سازوکار قضایی حقوق بشر در اروپا، تفوق با حاکمیت یا حقوق بشر. پژوهش حقوق عمومی، ۲۳(۷۲)، ۳۷-۹
- 3) Alston, Philip (2014). "Asian Regionalism and Human Rights." In *International Human Rights Law and Practice*, edited by G. Alfredsson et al., Cambridge University Press.
- 4) **Asian Yearbook of International Law** (2018). *Asian Yearbook of International Law*, Volume 23.
- 5) Baxter, H. L (2014). "The Asian Human Rights System: Prospects for a Regional Court." *Asia Pacific Review*.
- 6) Binder, Christina (2011). "Regional Human Rights Systems: A Comparative Analysis." *Cambridge Studies in International and Comparative Law*, Cambridge University Press.
- 7) Chowdhury, S. Z (2017). "The Rise of Human Rights in Asia: Challenges and Prospects." *Asian Human Rights Journal*.
- 8) Deng, X. P (2018). "China and Human Rights: A Regional Perspective." *Journal of Human Rights and Global Governance*
- 9) Deva, Surya (2015). "The Asian Century and Human Rights." *Asian Journal of Comparative Law*
- 10) Fagan, Jennifer (2010). "Human Rights in Asia: Challenges and Prospects." *Human Rights Law Review*.
- 11) Heathcote, J. L (2020). "Asian Human Rights Law: An Interdisciplinary Perspective." *Journal of East Asian Studies*.
- 12) Ho, M. R (2012). "Human Rights and Cultural Diversity in the Asia-Pacific." *Law and Culture in Asia*
- 13) Hsu, Lin (2018). "The Role of China in Asian Human Rights Governance." *Asia-Pacific Policy Studies*.

- 14) **Human Rights in Asia-Pacific: Overview and Challenges** (2023). *Asia Pacific Forum on Human Rights*.
- 15) Human Rights Watch (2021). "**World Report: Asia-Pacific Section**." Human Rights Watch.
- 16) Jacobsen, Michael (2006). "**Asian Values and Human Rights**." *Human Rights Quarterly*.
- 17) Journal of Asian Studies (2016). *Journal of Asian Studies*, Vol. 75, Issue 2, May.
- 18) Kim, Joo Hyun (2014). "**Asian Regionalism: Human Rights and Governance**." *Asian International Studies Review*.
- 19) Lambert, Elisabeth (2012). "**Regional Human Rights Courts and Their Impact**." *International and Comparative Law Quarterly*.
- 20) Lee, Kyoho (2020). "**Regionalism and Human Rights in Asia: Current Challenges**." *East Asian International Law Review*.
- 21) Liu, Zhiwei (2019). "**Asian Regionalism and Its Implications for Human Rights**." *International Journal of Asian Studies*.
- 22) Muench, P (2017). "**Regional Disputes and Human Rights in Southeast Asia**." *Asian Politics & Policy Journal*
- 23) Mullerson, Rein (2008). "**Regional Approaches to Human Rights in Asia**." *Asia-Pacific Journal on Human Rights and the Law*.
- 24) Muntarborn, Vitit (2018). "**Establishing Regional Human Rights Mechanisms in Asia**." *Asian Journal of International Law*
- 25) Nakamura, Takashi (2021). "**Asian Human Rights Law: Reconciliation of Norms and Practices**." *Journal of International Human Rights Law*.
- 26) Nasu, Hitoshi (2016). "**Human Rights and Asian Regionalism: An Analysis of Regional Courts**." *Asia-Pacific Journal of International Law*.
- 27) Nehru, Neela (2021). "**The Human Rights Agenda for Asia's Development**." *Asia Development Review*.
- 28) Nguyen, T. H (2018). "**Human Rights Mechanisms and Sovereignty in Asia**." *Southeast Asian Journal of Human Rights*.

- 29) Office of the High Commissioner for Human Rights (2020). **"Strengthening Human Rights Mechanisms in Asia."** UN.
- 30) Pandi, Taratne Dinusha (2019). **"Human Rights in Asia: A Legal Perspective."** *Sri Lanka Journal of International Law*.
- 31) Peerenboom, Randall (2007). **"International Human Rights Law in Asia."** *Harvard International Law Journal*.
- 32) Rath, A. V (2018). **"Asian Models of Regional Human Rights Courts: A Critical Analysis."** *International Legal Review of Asia*.
- 33) **Regional Human Rights Mechanisms in Asia** (2020). *International Institute for Environment and Development*.
- 34) Shelton D (2012). **The Feasibility of an Asian Human Rights Court.**, *Human Rights Quarterly*.
- 35) Sornarajah, M (2017). **"International Law and the Asian Regionalism: The Politics of Human Rights."** *Asian Yearbook of International Law*.
- 36) Tan, Kim Ho (2013). **"Asian Human Rights Systems: Opportunities and Limitations."** *International Studies Review*.
- 37) Wang, Dali (2019). **"Human Rights, Regionalism, and the Asian States."** *Journal of International Human Rights*.
- 38) Wang, Y (2016). **"Legal Aspects of Human Rights in the Asia-Pacific Region."** *Asia Pacific Law Review*.
- 39) Xu, Wei (2017). **"Human Rights Disputes and Regional Cooperation in Asia."** *International Relations in Asia Journal*.
- 40) Yashita, B (2020). **"Asian Approach to Human Rights: From Protection to Promotion."** *Asia Pacific Journal of Legal Studies*.
- 41) Zhang, L. M (2015). **"Cross-border Human Rights in the Asia-Pacific Region."** *Asian Law and Policy Review*.
- 42) Zhang, Xiang (2015). **"The Role of Asian States in the Protection of Human Rights."** *Human Rights and International Law*.